

المحصل

فی علم الاصول

- المحصول فی علم الاصول
- تقریرات درس آیت الله جعفر سبحانی
- سید محمود جلالی مازندرانی
- موسسه الامام الصادق (ع)
- چاپ اول، ۱۴۱۹ - ۱۴۱۴ ق
- وزیری، ۴ ج، ۲۵۰۰ ص
- بهاء:

ناصرالدین انصاری قمی

اصولی را از ائمه اخذ کرده بودند و روش استفاده از آن را نیز آموخته بودند. که نمونه اش رساله کتاب الاطلاق و مباحثها از هشام بن حکم شیبانی کوفی (م ۱۹۹ ق)، کتاب اختلاف الحدیث و مسائله ازیونس بن عینار حمرن مولی آل یقطین (م ۲۰۸ ق)، کتاب الخصوص و العموم و کتاب فی خبر الواحد والعمل به از حسن بن موسی نوبختی و کتاب الاسماء والاحکام و ابطال القیاس از ابوسهل نوبختی اسماعیل بن علی (م ۳۱۱ ق) است اما به دلیل وجود امامان - علیهم السلام - آن را به کار نبرده بودند.

با شروع عصر غیبت کبری امام زمان (ع) و فقدان ارتباط با آن حضرت، قواعد عامه اصولی که در ابواب مختلف فقه که متفرق بود گردآوری شد: التذکره باصول الفقه، نوشته فقیه بزرگ شیعه شیخ مفید ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری بغدادی (م ۴۱۳ ق) نمونه‌های آن است.

سپس شاگردان شیخ مفید دامن همت بر کمر زدند و سید شریف مرتضی (م ۲۲۶ ق) کتاب ذریعه، و شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق) کتاب غله الاصول، و سائر دیلمی (م ۴۴۸ ق) کتاب التقریب فی اصول الفقه را نگاشتند و مهمترین مجموعه مدون در قواعد و مبانی اصول فقه امامیه را پس از دوران غیبت کبری و سبزی شدن دوران فقیهان محدثه پدید آوردند. پس از آن سیر تالیف و تلویح کتابهای اصولی، آهنگ پرستایی به خود گرفت و سیلاب المکارم بن زهره (م ۵۸۵ ق) و محقق حلّی (م ۶۷۶ ق) و علامه حلّی (م ۷۲۶ ق) با تالیف کتابهای غنیه النزوع معراج الاصول و تهذیب الاصول مهمترین کتاب های اصولی شیعه را در قرون ششم و هفتم پدید آوردند. با ظهور وحید بهبهانی (م ۱۲۰۶ ق)

علم اصول فقه از علوم پایه ای است که تکیه گاه فقیه در استنباط فروع فقهی از منابع اولیه می باشد. به تعبیر دیگر، هنگامی که فقیه دست خود را از احکام لولی واقعی کوتاه می بیند به اصول و قواعدی روی می آورد، تا بتواند به وسیله آنها احکام ظاهری ثانوی را کشف نماید.

تاریخ پیدایش این دانش به قرون اولیه هجری می رسد. پس از وفات پیامبر اکرم بود که فقهاء و صحابه به علت فقدان مرجع تشریح احکام، به اعمال برخی از قواعد اصولی - که از ادله عقليه و لفظیه و سنت شریف پیامبر استفاده می شد - مانند: حمل امر بر وجوب، حمل نهی بر حرمت حمل عام بر خاص، مطلق بر مقید و عمل به ظاهر کتاب و سنت و حمل مشبهات قرآن بر محکمات آن و اعتدال بر اجماع و خبر ثقه و حدیث متواتر، روی آوردند و از آنها در استنباط حکم مسائل جدید استفاده نمودند.

البته به کارگیری علم اصول در استنباط احکام برای نخستین بار از سوی فقهایی عامه آغاز شد و علت آن دوری ایشان از مصدر تشریح بود. از آنجایی که آنان پس از پیامبر اکرم (ص)، از ائمه اطهار - علیهم السلام - روی گردانیدند و نقل اکبر نقلین را وانهادند و در عین حال با مسائل مشکل بسیار روبرو گردیدند به ناچار به قواعد اصولی روی آوردند تا بدان وسیله به استنباط احکام بپردازند. اما شیعه امامیه با برخورداری از سرچشمه زلال دانش ائمه اطهار در بی نیازی کامل از این قواعد بودند و پاسخ هر مشکلی را از امامان - علیهم السلام - دریافت می داشتند. هر چند در این زمان قواعد

و ترویج فکر اصولی و احیای منهج اجتهاد و شکستن سطوت اخباری ها، رویکرد به علم اصول و عمل به قواعد آن بسیار و هر زمان بر دامنه آن افزوده شد؛ تا نوبت به شیخ انصاری (م ۱۲۸۱ ق) و محقق خراسانی (م ۱۳۲۹ ق) و شاگردان مکتب این دو بزرگوار رسید و کتابهای گونه گون اصولی و آراء و مبانی جدید به بازار دانش عرضه شد.

کتاب ارزنده و نفیس المحصول فی علم الاصول، که نتیجه سومین دوره تدریس خارج اصول فقیه محقق آیت الله حاج شیخ جعفر سبحانی مدظله العالی است، در برگیرنده یک دوره کامل علم اصول فقه بوده که به خالص فاضل گرامی جناب حجه الاسلام آقای سید محمود جلالی مازندرانی به رشته تحریر درآمده است.

در نخستین مجلد این کتاب به بحث از مقدمات علم اصول و مباحث اوامر پرداخته شده است.

موضوع علم اصول، وضع، استعمالات مجازیه وضع مرکبات، علائم وضع، حقیقت شرعی، صحیح و اعم باشند که استعمال لفظ مشترک در اکثر از معنی و مشتق از مباحث مقدمات است (ص ۲۹۸-۹) سپس مقصد اول کتاب در اوامر آغاز می گردد و در آن از: ملاء امر، صیغه امر، اجزاء، مقدمه و اجبیه احکام ضد امر با علم به انتفاء شرط، واجب تخیری و کفایی و مضیق، امر به امر و امر بعد از امر از مباحث آن است. (ص ۶۳۴ - ۳۰۰)

مقصد دوم کتاب بحث از نواهی است. در این مقصد از مفاد نهای، اجتماع امر و نهی و ادله مجوزین و مانعین (ص ۲۸۴ - ۱۶۴)، آیا نهی از شیء مقتضی فساد است؟، آیا نهی در معاملات دلالت بر فساد می کند و ثمرات فقهی این مساله سخن به میان آمده است.

المحصول في علم الأصول

تقريراً
لمبحث آية الله
الشيخ جعفر السبحاني

بقلم
عبد محمود هيجاتي الكافوراني

الجزء الثاني

بحث من مؤسسة الأوس، والفرسي، والترسي، والتميمي، والخطوب، والهدية
عز وجله، بيروت، لبنان، طبع في المطبع، طرابلس، لبنان، ١٤٠٥ هـ



مقصد سوم، در مفاهیم است و در آن، پس از ذکر مقدمات، به بررسی مفهوم شرط، وصفه غایت، حصر، لقب و مفهوم عند پرداخته شده است. (ص ۲۳۹-۴۴۹).

مقصد چهارم کتاب پیرامون عموم و خصوص است و در آن، طی ۱۲ فصل به بررسی صیغه عام، حجیت عام، مخصص، سرایت اجمال مخصص به عام و علمش، احراز حال موضوع به وسیله اصل عملی، عدم جواز تمسک به عام قبل از فحص، خطایات شفاهی، عام متعقب به ضمیر، تخصیص عام به مفهوم استثناء پس از جمله‌های متعدد تخصیص قرآن مجید به خبر واحد و دوران امر بین تخصیص و نسخ پرداخته شده است؛ (ص ۵۸۹-۴۴۹).

پنجمین مقصد کتاب، بحث از مطلق و مقید است و در آن به الفاظ مطلق، آیا مطلق پس از تقیید، مجاز است؟ مقدمات حکمت حمل مطلق بر مقید و مجمل و مشابه پرداخته شده و در ضمن بحث از مجمل و مشابه، از محکم و مشابه و حروف مقطعه در قرآن فراوان سخن رفته است؛ (ص ۵۸۹ - ۶۵۰).

مباحث الفاظ با این دو مجلد پایان می‌یابد و بحث از اصول عملیه و قواعد فقهیه و تعادل و تراجیح در جلد سوم و چهارم ادامه پیدا کرده است. **مقصد ششم،** در بیان امارات متبره (شرعی و عقلی) است. احکام قطع، اقسام قطع، قطع موضوعی و مباحث دیگر، امکان تعبد به ظن و وقوع تعبد به ظن و حرمت عمل به آن و مستثنیات آن (ظواهر، قول لثوی، اجماع منقول، شهرت فتواییه حجیت خبر واحد و دلایل مثبتین و مانعین و نقد و بررسی آنها و اثبات حجیت اخبار) و حجیت ظن در اصول عقاید از مباحث این مقصد است؛ (ص ۷-۳۲۷). استاد

بزرگوار ما در ضمن بحث از حجیت ظواهر، به بحث تحریف کتاب عزیز و نقد و بررسی ادله قائلین به آن پرداخته و نوری قرآن از هر گونه تحریف - به زیاده و نقصان - را اثبات نموده است. (ص ۱۲۶-۱۷۸)

مقصد هفتم کتاب در اصول عملیه است. استاد پس از ذکر مقدماتی، به بحث از برائت و ادله عقلی و نقلی آن (حدیث رفع، حدیث حجب، حدیث سمع، حدیث کل شیء مطلق، حدیث حلال و حرام و حدیث رکب) پرداخته و به خوبی از عهده برآمده است؛ (ص ۲۲۷-۳۹۵).

سپس بحث از احتیاط و تخیر آغاز می‌شود و تمام مطالب آن به گونه مشروح مورد بررسی قرار گرفته است؛ (ص ۲۹۶-۴۳۷).

از آنجا که معمولاً پیش از بحث از استصحاب، به بررسی قاعده «لا ضرر» پرداخته می‌شود استاد به بحث از این قاعده، نیز پرداخته که تقریر آن در رساله‌های جداگانه به قلم فاضل محترم جناب آقای شیخ محسن حیدری به رشته تحریر درآمده است؛ (الرسائل الاربع، ص ۱-۲۰۰).

نیز تقریر بحث تسامح در ادله سنن در رساله جداگانه‌ای به قلم فاضل توانا جناب حجه الاسلام والمسلمین شیخ علی اکبر کلانتری شیرازی به نگارش درآمده که آنهم در الرسائل الاربع در ۱۰۰ صفحه به چاپ رسیده است.

در چهارمین مجلد کتاب، بحث اساسی و دراز دامن استصحاب شروع می‌شود و ادله حجیت آن از اجماع و اخبار، و تئیهات استصحاب (۱۶ تنبیه) بر شمرده می‌شود؛ (ص ۱-۲۶۰).

بحث و بررسی قاعده ید (علی الید ما أخذت حتی تودی) - ص ۲۹۰-۲۶۰؛ و قاعده فراغ و تجاوز (ص ۲۹۱-۳۴۵)؛

و قاعده اصله الصحه فی عمل الغیر (ص ۲۴۶-۳۷۲)؛ و قاعده قرعه (ص ۳۷۳-۴۰۳)؛ و بحث تعادل و تراجیح در ادامه جلد چهارم آمده است. در بحث از قواعد فقهی، به بررسی ثمرات فقهی آن و توضیح آن‌ها به خوبی پرداخته شده و در بحث تعارض ادله شرعی، به توضیح اصطلاحات تخصصی، ورود، حکومت و تخصیص و اسباب اختلاف و تعارض و اقسام مرجحات خیر به (ترجیح به صفات راوی، شهرت عملیه، مخالفت عامه و احداث بودن) اشاره شده و گفتار تمام اصولیون مورد بررسی قرار گرفته است؛ (ص ۴۰۵-۵۲۵).

در بحث از اجتهاد و تقلید نیز، به نوشتار جناب حجه الاسلام والمسلمین سید خلیل طعان موسوی عاملی به نام «القول المفید فی الاجتهاد و التقليد» - که در الرسائل الاربع به چاپ رسیده، بسنده شده است. در این کتاب استاد با استناد از دهها کتاب: تفسیر، حدیث، فقه اصول، لغت ادبیات، فلسفه و رجال به نقد و بررسی گفتار اصولیون - به ویژه شیخ انصاری، محقق خراسانی، میرزای نائینی، آیت الله خویی، و امام خمینی - رحمه الله علیهم اجمعین - پرداخته و به زیبایی یک دوره کارآمد - و به دور از خشو و زوائد - علم اصول را به فرزانگان و تشنگان یادگیری علوم اسلامی، ارزانی داشته است.

جناب حجه الاسلام جلالی مازندرانی هم با تقریر و چاپ این بحث‌ها - که در مجمع صدها تن از طلاب حوزه علمیه قم عنوان شده است - خدمتی به سزای عموم شیفتگان دانش نموده است.